

# الگوهای اجتماعی

اسانهای بیچاره زمان ما بجای آنکه زندگی کنند ادای زندگی را درمیآوردند

در مباحث تربیتی، گاه تناقضاتی چشم می خورد. برخی از مکتب های تربیتی بر اساس دید اجتماعی، شخصیت فرد را فراموش کرده، مسائل تربیتی را از دریچه اصول اجتماع مطرح می نمایند. در این نوع موارد، انسان اصالت خود را از دست داده، بیرون یک موجود بی معنی آید، و گاه در پرورش انسان با موضوعی تکیه شده، کمترین توجهی به اصول اجتماع نمی شود. و مثال آنکه همین روش تعلیم و تربیت است که غرضش در نظر گرفته باشد، یعنی در عین اینکه استعدادهای شخصی فرد پرورش می یابد، خصوصیات زندگی و اجتماع بودن نیز از تعلیم داده شود.

یکی از روشنفکران می گوید: (۱) هر طفلی برای خود فردیست غیر قابل قسمت. بدون تردید هر کسی از طفولیت حق دارد که برای طرح برنامه زندگی هماگانه خویش، از اسباب و وسعت میراثی خود تبعیت کند. این مطالب هنگامی تحقق پذیرد و مترون بکامیاب شود، که هر کسی جمیع توانی خود را بدون هیچ مانع در راه و تلاش حیاتی خود مصروف داد. از این گذشته چون نیروی فرد، بهیچ وجه برای اجراء و نظام، به تنهایی کافی نیست، و اجتماع در این معادلت جسمانی و روحانی اثرگذار است. ناجا فر دیباید از مقررات اجتماعی اطاعت نماید، پس باید خصوصیات اجتماعی را در طفلی پرورش داد.

لذا بهترین نظریه تربیتی اینست که میان اصول تربیتی هم آهنگی وجود داشته. رعایت اصلی موجب آن نکرده که اصل دیگری به پامال گردد. لذا در عین اینکه شخصیت اجتماعی کودک پرورش می یابد، باید انطباق بود که کودک استقلال فکری خود را از دست ندهد. بجز این اگر خصوصیات فردی او پرورش نیافته باشد در جامعه فردی، ضعیف خواهد بود. چنین فردی مانند تریخی خواهد بود که دستخوش امواج دریا شده. بدون اینکه کمترین مقاومتی از خود نشان دهد، بهر سستی روان خواهد بود. تعالیا تا اوسر کش شده، وجود او را سوزن و مسک

© Teodor Draizer

(۱) - اصول آموزش و پرورش، دکتر عوضیادس (۵۱)

عاجزی، سازجبه خواهد گرفت و حال آنکه انسان کامل، که روح و فکر سالم دارد، هرگز اسیر تقلیدات نشده آنها را کنترل خواهد کرد.

امروز افراد اجتماع مادچار بیماری خطرناکی شده اند، عقل و منطق با اذ دست داده اند. همه فعالیتها بر اساس فکر و عویش پی بری نمیگردد. بسیاری از مردم بجای زندگی ادای زندگی را درمی آورند. تمام راجش ها و خوشیها را بر خود حرام کرده، هر نوع زحرو شکسته و ناراحتی را بهمان می خرند. تا در مسابقه چون آمیز خود نمائی و تقاضا، از دیگران عقب نمانند. در نتیجه احمقهای آسایش نداشته چون پرگاد در خود می جرخند، و از این همه رنج و ناراحتی هدفی جز تقلید شانند، فقط یک چیز بر زندگی احتیاج ما حاکم است. و آن پرستی الگوهای اجتماعی است. و در این کاد آنچنان دچار غفلت و خواب زدگی شده ایم که آلوده ترین رفتارها و درنده ترین حرکات اجتماع را مورد اقتباس خود قرار داده ایم. در محیط اجتماعی ما بجای اینکه عقل و خرد حکومت کند، الگوهای اجتماعی مورد پرستی همگان قرار گرفته است. و همانها زشتی ها و زانی ها را مشخص می نمایند. از لحاظ اجتماعی هیچکدام از این آداب و سنن اخلاقی در میان ما، متروک نگشته بود. روی همین اصل، بجای اینکه اجتماع ما زنده بحساب آید، به محله عهای اذاف اذ که محور هر یک فقط نفع و شهوت شخصی است شبیه تراست.

یکی از روشنفکران میگوید: امروز افراد اجتماع ما سفیهانه دامن خود را از میوه های گشاده، کرم خورده ای که زیر درختان همسایه ریخته، پر می کنند. عسایه های ما که خوشتر باشند، ما را محتاج میوه های گندیده و علفهای هرزه خود ببینند، بر این کارها تکیه نمیانند (۱).

نگین می گفت: (۲) عوسها و نیازهای انسان ها ناهمحدود است. وسائل بر آوردن و سیراب کردن این عوسها و نیازها محدود است. پس اگر عوسهای خود را دامن زبیم، و خود را قائل بر آنها قائل نشویم، دیگران را از بر آوردن نیازهای اساسی خود محروم کرده ایم. اشتقاقی ما با تجملات و لذت پرستی غرب، شوهوت های مازا بر انگیخت، و عوسهای تله درما بوجود آورد. خواهش های نفس را گردن نهاده آمدند شدم. بجای اینکه بگوئیم در آتوبها و طوفانهای وحشت دایستی، اجتماع خود را از فقر قاپ نکبت، نجات دهیم. هر یک کوشیدیم از همدیگر که شده نفع و شهوت بی بندوبار خود را ارضاء نسائیم.

(۱) آزادی و تربیت تألیف دکتر محمود صنایعی ص (۴۰)

(۲) همین کتاب ص (۵۲)